



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگو با مریم باقری، کارگردان تئاتر: گریز به تاریخ برایم جذاب‌تر است

زمان این نمایش نامه دو ساعت تا دو ساعت و نیم بود و من سعی کردم دراماتورژی و کوتاهش بکنم و زمان کار را به ۷۵ دقیقه برسانم، ولی برایم جذاب‌تر بود که محوریت را از شخصیت سیاه در نمایش‌های تخته‌حوضی و سیاه‌بازی بردارم و کمدی را بین شخصیت‌های قصه تقسیم بکنم. فکر می‌کنم در این کار موفق بودم. برای من جذاب‌تر بود که این‌گونه باشد. به نظرم در اجرای کمدی‌های مدرن، با توجه به این‌که ما داریم تخته‌حوضی را در دنیای مدرن کار می‌کنیم و در عین حال باید به فرهنگ و سنت و ادبیات و موسیقی ایرانی پایبند باشیم، باید کمی هم به سمت مدرنیته حرکت بکنیم. فکر می‌کنم کمدی مدرنیته روی یک شخص نمی‌چرخد و لازم است کمدی را تقسیم بکنیم. این اولین تجربه من با این دیدگاه بود.

از نقاط قوت نمایش شما، کارگردانی خلاقانه و بازی خوب بازیگران است. برای کارگردانی این متن چه شیوه و ایده‌هایی مدنظر داشتید؟ در هدایت بازیگران، آیا آنها اجازه بداهه‌پردازی در نقش خود را داشتند؟

چیزی که همیشه سعی می‌کنم در کارگردانی رعایت بکنم، اینست که جریانی از زندگی را روی صحنه به وجود بیاورم. جریان عادی زندگی، چون صحنه تئاتر چیزی غیر از آن چه در زندگی می‌گذرد نیست؛ حالا کمی با رقص و آواز و شعر و لباس‌ها و دکور و سعی می‌کنیم فضای نمایش را جذاب‌تر کنیم. خدا را شکر بازیگران این نمایش، تیم باتجربه‌ای هستند. در شروع کارگردانی همیشه سعی می‌کنم بازیگران را ابتدا راحت بگذارم و بعد، آن چیزی را که لازم است و در ذهنم می‌گذرد، به آنها منتقل بکنم. در مورد کاراکترها و شخصیت‌ها با بازیگران صحبت می‌کردیم و در نهایت به این چیزی رسیدیم که روی صحنه می‌بینید.

در تولید نمایش «هاگبیر واگیر» با چه موانع و مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

واقعاً تولید تئاتر خیلی سخت شده. موانع و مشکلات چنان زیاد است که در این مقال نمی‌توانم بگویم. فکر می‌کنم خیلی‌ها هم در موردش صحبت کرده‌اند. دوست دارم تئاتر به دوران طلایی خودش برگردد؛ دورانی که همه خانواده بودیم و کنار هم دیگر حاملان خوب بود و با دغدغه‌های کم‌تری از مسائل سیاسی و به‌ویژه اقتصادی کار می‌کردیم. اصباحبر

در آن اعمال شد و در نهایت تبدیل به چیزی شد که الان روی صحنه می‌بینید.

اغلب کارگردان‌هایی که سراغ نمایش‌های ایرانی می‌روند، در آثارشان داستان‌هایی از تاریخ را دستمایه قرار می‌دهند. آیا نگاه تاریخی متن «هاگبیر واگیر» به تاج‌گذاری ناصرالدین‌شاه، دغدغه خودتان و ضرورت نمایشنامه بود؟

قصه ناصرالدین‌شاه و تاج‌گذاری‌اش دغدغه‌ام نبود اما خوب چون تاریخ بارها و بارها تکرار شده، از خود تاریخ می‌توان قصه‌های زیادی را مورد استفاده قرار داد تا ما نیشخندها و گریزهایی به اتفاقات زمان حال بزنیم. این‌که در تمام دوران‌های تاریخی آدم‌هایی از قشر متوسط و فقیر بودند که دوست داشتند خودشان را به درجات بالا و دربار و مقام و منصب برسانند، در همه دوران تاریخی وجود داشته. این موضوع دستمایه‌ای شد برای ما تا به خیلی از اتفاقاتی که در جهان امروز و دنیای مدرن می‌گذرد، اشاره بکنیم. خیلی موافق نیستم که اتفاق‌های دنیای مدرن را در تئاتر سنتی و تخته‌حوضی ایرانی به شکل مدرن روایت بکنیم. گریز به تاریخ برایم جذاب‌تر است.

شوخی‌های کلامی و رفتاری شخصیت سیاه و آهنگ‌ها و ترانه‌های چنین آثاری، سال‌هاست از یک الگوی ثابت و تکراری پیروی می‌کند. فکر نمی‌کنید دیگر وقتش رسیده کمی خلاقیت به خرج داد و از شوخی‌ها و آوازهای تازه‌ای استفاده کرد؟

با این‌که خلاقیت در نمایش وجود داشته باشد، همواره موافقم. بخشی از این ترانه‌های نمایش، مربوط به سنت و تاریخ و ادبیات ایران است و اتفاقاً باید حفظشان بکنیم، ولی برخی از شوخی‌های کلامی را موافقم که شاید باید متناسب با زمانه خردمان پیش ببریم.

نمایش «هاگبیر واگیر» گرچه شخصیت سیاه را در خود دارد اما این بار «سیاه» نقش پررنگ و اساسی در حل‌وفصل مشکل ندارد و محور داستان بر اتفاق‌هایی که بین اعضای خانواده می‌افتد پیش می‌رود. ضمن این‌که برخی صحنه‌ها طولانی و متمرکز بر دیالوگ شخصیت‌ها از جمله دو عروس خانواده هستند. این عوامل ریتم نمایش را کند و زمان آن را طولانی کرده. با این نظر موافقت می‌کنید؟

احمدرضا حجاززاده
گفت و گو

مریم باقری که پیش از این نمایش‌هایی مانند «بی‌صورت فلکی»، «عمارت قجری»، «بلوری‌ها» و «پاپرهنه در پارک» را روی صحنه برده بود، در تازه‌ترین تجربه خود، استاد داوود داداشی را در نقش «سیاه» و در کنار بازیگرانی نظیر فاطیما سرلک، علی عطایی حور، سامان کریمی، مرجان آقائوری، آرام نیک‌بین، محمد عادل غلامی و یاسمن عطااللهی به بازی گرفته است. نمایش «هاگبیر واگیر» یک کمدی تاریخی جذاب است درباره موجهول میرزا و گنجعلی میرزا، دو برادری که برای رسیدن به موقعیتی در دربار، ناخواسته شاه را در شرف پنجاهمین سال تاجگذاری تا دم مرگ می‌برند. به بهانه اجرای این نمایش موفق در تماشاخانه سنگلج، با مریم باقری به گفت‌وگو نشستیم.

«هاگبیر واگیر» دومین تجربه شما در اجرای نمایش‌های ایرانی است. چرا بازگشت دوباره شما به نمایش‌های سنتی و ایرانی سه سال طول کشید؟

من نمایش ایرانی و تخته‌حوضی و سنتی را خیلی دوست دارم، منتها دغدغه‌هایی دارم که تلاش می‌کنم در تئاتر به سمت آنها بروم. با توجه به اتفاقات اجتماعی و سیاسی چند سال اخیر، سال گذشته تصمیم گرفتم کاری را در همان حوزه و متناسب با اتفاقات اجتماعی روی صحنه ببرم که نمایش «بی‌صورت فلکی» را اجرا کردم اما باز برگشتم به سمت تئاتر ایرانی، چون فکر می‌کنم برایم یک تنفس است و باید هر چند سال یکبار این کار را انجام بدهم، چون از انجام دانش لذت می‌برم. الان در راستای دغدغه‌هایم، فکر می‌کنم مردم در شرایط روحی و روانی خاصی قرار دارند که نیاز مندند بخندند و اتفاقاً نیاز ندارند که فکر بکنند. دغدغه من الان این بود که خنده مردم را ببینم. به همین دلیل «هاگبیر واگیر» را روی صحنه بردم.

نمایشنامه «هاگبیر واگیر» چگونه به دست‌تان رسید؟ متن را جایی خوانده بودید یا به نویسنده سفارش دادید تا بنویسد؟ من ابتدا نمایشنامه دیگری در نظر داشتم، ولی به پیشنهاد مدیر تماشاخانه سنگلج، خانم پریسا مقتدی، متن «هاگبیر واگیر» را خواندم و دوستش داشتم. بعد با نویسنده‌اش درباره آن صحبت کردیم و تغییراتی

